

# روش‌های پیشگیری از گرایش نوجوانان به خشونت (با تأکید بر عنصر یادگیری اجتماعی – بر اساس رهیافت اسلامی)

مصطفی همدانی<sup>۱\*</sup>

## چکیده

خشونت از پدیده‌های کهن در رفتار اجتماعی انسان‌ها است. نوجوانان به جهت اقتضای سنی خاص و تأثیری که از محیط خود دارند، بیشتر در معرض روی آوردن به خشونت هستند. هدف این پژوهش، بررسی عوامل پیشگیری از روی آوردن نوجوانان به خشونت است، در این راستا بر نقش یادگیری اجتماعی در خشونت آموزی ایشان تأکید شده و با این رویافت، عوامل پیشگیری از خشونت را بر اساس مبانی اسلامی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تحلیل می‌کند. روش این پژوهش، کتابخانه‌ای است و از تجزیه و تحلیل کیفی استفاده شده است. نتایج این پژوهش بر وظایف اجزای نظام تعلیم و تربیت (خانواده، همسالان، مربیان مدرسه، نظام آموزشی و رسانه‌ها) در محورهای چون گسترش رفتارهای محبت‌آمیز در خانواده و رفتار مریبان، تویخ الگوهای خشونت و پاداش نگرفتن آنها، فقدان ارزش‌های خشونت‌آموز در دوستی‌ها و تعمیق باورهای معنوی در کنترل خشم و آموختن مهارت جرأت‌ورزی به جای خشونت تأکید دارد.

**واژگان کلیدی:** خشونت، نوجوانان، یادگیری اجتماعی، پیشگیری از خشونت.

---

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸

۱. دانش‌آموخته خارج فقه و فلسفه (استاد حوزه علمیه قم) (نویسنده مسئول: ma13577ma@gmail.com)

## ۱. مقدمه

«خشونت»، در روابط بشری قدمتی به سابقه عمر بشر بر روی زمین دارد. قابیل فرزند آدم (ع) اولین انسانی بود که این کژراهه را برگزید و هابیل فرزند دیگر وی، اولین قربانی این رفتار نابهنجار بود (مائه: ۲۷-۳۰). این خشونت آغازین، مسبوق به بیم فرشتگان هم بوده است (بقره: ۳۰)؛ زیرا آنان وجود انسان خاکی را به جهت دربر داشتن غرائز افزون‌خواه و تزامم‌برانگیز، منشأ خشونت می‌دانستند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۵). گرچه آنان در این گمان خود، به حقیقت دست نیافتند و مورد تخطئه خداوند سبحان قرار گرفتند؛ زیرا از «خیر برتر» در خلقت انسان و سرّ محبتی که با خاک او آمیخته بود بی‌خبر بودند (بقره: ۳۰-۳۳؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۹؛ صحیفه سجاده، ۱۳۷۶، ص ۲۸)؛ اما بیم آنان مورد تأیید الهی است.

در بین ادوار زندگی بشر، نوجوانی، دوران قابلیت بالای انسان در پذیرش هرگونه رفتار اجتماعی است و به همین دلیل، نوجوانان در مواجهه با بدآموزی‌های ناشی از آموزه‌ها، گفتارها و رفتارهای خشونت‌بار آسیب‌پذیر هستند. براین اساس، پیشگیری از گرایش نوجوانان به خشونت، یکی از مسائل فرهنگی - اجتماعی بسیار مهم درباره این قشر است. عوامل متعدد شخصی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و... در گرایش نوجوانان به خشونت وجود دارد؛ همچنین عواملی در ساحت‌های مذکور در پیشگیری از گرایش نوجوانان به خشونت نیز مؤثر است. این نوشتار به تحلیل مسئله پیشگیری از گرایش نوجوانان به خشونت با تأکید بر نقش یادگیری در بین این عوامل می‌پردازد. جهت پی‌گرفتن این هدف لازم است سه مفهوم اصلی تحقیق تعریف شوند:

۱. نوجوانی: نوجوانی را نمی‌توان بر اساس سن استاندارد و خاصی تعریف کرد. تعریف نوجوانی معمولاً بر اساس اقتضات شخصی صورت می‌گیرد. برخی روان‌شناسان معتقدند: نوجوانی از ظهور بلوغ جنسی آغاز می‌شود و با پایان نگرانی‌ها و ناراحتی‌های آن خاتمه می‌یابد. برخی هم آن را برزخی میان نیاز و وابستگی به بزرگسالان و بی‌نیازی و وابستگی به خویشتن معنی کرده‌اند. البته این دو تعریف دارای معیارهایی هستند که در جوامع و فرهنگ‌های مختلف دارای مصادیق گوناگون هستند؛ ممکن است بلوغ جنسی یا وابستگی به خود در فرهنگ و جامعه‌ای زود آغاز شود و در جامعه دیگر دیرتر (پارسا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴).

۲. یادگیری اجتماعی: این نوع یادگیری عبارت است از: تأثر افکار، احساسات و رفتار انسان از حضور و رفتار دیگران در گروه و اجتماع (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۲).

۳. خشونت: خشونت معادل «Violence» و پرخاشگری معادل «Aggression» است. پرخاشگری عبارت است از: اقدامی که به قصد آسیب رساندن به دیگران صورت می‌گیرد. پرخاشگری معنای عام‌تری دارد و لزوماً دارای معنی منفی نیست. مثلاً، مجازات مجرمان نوعی پرخاشگری قانونی است، اما خشونت نیست (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۹۶). تعریف خشونت بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی عبارت است از: استفاده عمدی از نیروی فیزیکی و یا قدرت (چه با تهدید چه با میل شخصی استفاده‌کننده) علیه خود، دیگری، گروه یا جامعه، که سبب آسیب جسمی، مرگ، آسیب روانی، ضعف رشد یا هر نوع محرومیت دیگر شود (کروگ و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۵).

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که در آن علاوه بر تصویر آنچه هست، به دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. جزئیات مسئله تحقیق را با کلیاتی که در مباحث نظری تحقیق به‌عنوان چارچوب استدلال خود تدوین می‌کند، ربط می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۵۹ و ۶۰-۶۱).

روش این پژوهش، روش کتابخانه‌ای است. این روش از آغاز تا انتها بر مطالعه کتب و اسناد و نرم‌افزارهای حاوی متون علمی مبتنی است و با ابزارهایی مانند فیش و جدول و فرم و... به کمک استدلال عقلی به بررسی متون برای دست یافتن به پاسخ سؤال می‌پردازد (همان، ص ۱۶۴-۱۷۲).

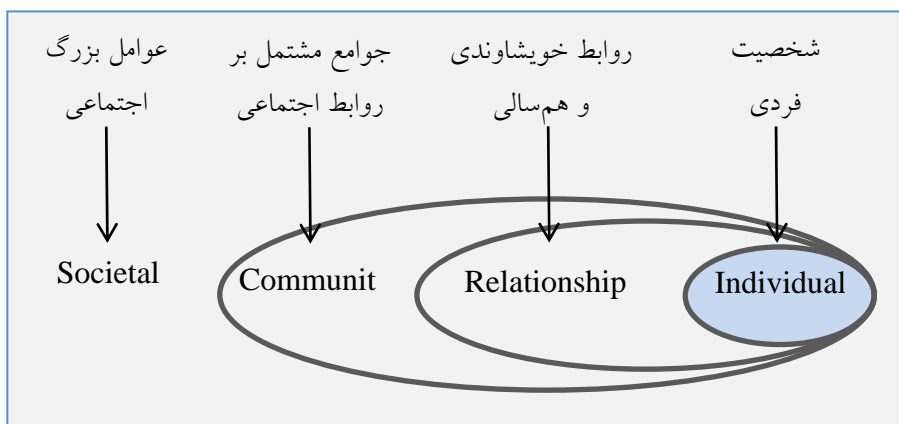
در این روش، تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به روش کیفی انجام می‌گیرد، یعنی با کمک عقل و منطق با غور در مدارک علمی به تحلیل‌ها و تعمیم‌های لازم دست زده و پاسخ سؤال را استخراج خواهیم نمود (همان، ص ۲۳۲-۲۳۳). همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها در آغاز جمع‌آوری داده‌ها شروع شده و تا پایان پژوهش ادامه دارد و مرحله‌ای مجزا از مرحله جمع‌آوری نیست (بیابانگرد، ۱۳۸۷، ص ۱، ص ۲۹۲).

## ادبیات نظری پژوهش

نظریات مربوط به این پژوهش، در سه محور قرار دارند:

اول. مدل اکولوژیک ریشه‌های خشونت (The ecological model roots of violence): این مدل چندسطحی که برای اولین بار در اواخر دهه هفتاد ارائه شد معتقد است: خشونت نتیجه تأثیر متقابل بسیاری از عوامل محیطی، فرهنگی، اجتماعی، ارتباطی و شخصی است. این مدل توانایی تبیین خشونت در ساحت‌های مختلف چون کودک‌آزاری، خشونت جوانان، آزار جنسی و آزار سالمندان را در خود نشان داده است.

در این مدل (نمودار ۱) چهار سطح وجود دارد: ۱. شخصیت فردی؛ ۲. روابط خویشاوندی و هم‌سالی؛ ۳. جوامع مشتمل بر روابط اجتماعی، به معنی دارا بودن تنوع فرهنگی و کثرت جمعیت و... که احتمال وقوع خشونت را زیاد می‌کنند؛ ۴. عوامل بزرگ اجتماعی مشوق خشونت، مانند فرهنگ‌هایی که خشونت را راه‌حل اختلاف می‌دانند یا حقوق مردان را بالاتر از حقوق زنان می‌دانند و... (کروگ و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۱۳-۱۴).



نمودار ۱. مدل اکولوژیک خشونت

دوم. نظریه یادگیری اجتماعی باندورا: باندورا می‌گوید: یادگیری اجتماعی، بنا بر مشاهده و تقلید، به طور ناخودآگاه در بسیاری از افراد به صورت مثبت و منفی انجام می‌گیرد (پارسا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷). از نظر وی، الگوهای هم‌سن و هم‌جنس، افراد دارای مقام و شهرت، نقش مهمی در این

یادگیری دارند (همان، ص ۴۵۵). این نظریه در حوزه رفتاری خشونت معتقد است: رفتارهای خصومت‌آمیز و پرخاشگرانه قویاً تقلید می‌شوند (همان). از سوی دیگر، مشاهده‌گرانی که ببینند الگو به خاطر رفتار پرخاشگرانه تنبیه می‌شود، پرخاشگری کمتری نسبت به کسانی که ببینند الگو تقویت می‌شود از خود نشان می‌دهند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۹، ص ۴۵۶). نظریه باندورا در تأثیر رسانه‌ها بر خشونت مورد مطالعه فراوان قرار گرفت و اثبات شد، رسانه‌ها هنجارها و ارزش‌های مقبول اجتماعی را از طریق پاداش و تنبیه نمادین برای انواع متفاوت رفتار به مردم یاد می‌دهند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۹-۶۰).

سوم. نظریه کاتارسیس (پالایش): این نظریه بر این باور است که افرادی که برای جلوگیری از تراکم و انفجار خشم خود سوپاپ اطمینانی قرار می‌دهند و به طریق غیرمضر هیجانات پرخاشگرانه خود را خالی می‌کنند، ممکن است بتوانند از این طریق پرخاشگری خود را کاهش دهند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۳۱۵-۳۱۶).

## یافته‌های پژوهش

در کنار خانواده که از نظر فرهنگ اسلامی مسئولیت اصلی در تربیت فرزند را بر عهده دارد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۷۱؛ حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۳)، همسالان دارای نقش مهمی در یادگیری رفتاری او دارند. همچنین در عصر ما، رسانه‌ها نیز دارای کارکرد آموزشی و تربیتی هستند (رک: سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، ص ۴۵۲؛ معتمدنژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۰). بنابراین، نظام تعلیم و تربیت با محوریت خانواده، همسالان، متون آموزشی، مدرسه و رسانه‌ها شکل می‌گیرد. براین اساس، این تحقیق با رهیافتی که از مبانی نظری تحقیق برگرفته است، روش‌های پیشگیری از خشونت در نوجوانان با محوریت عنصر یادگیری و با ره‌توشه‌ای از مبانی اسلامی را در چند محور تبیین خواهد نمود:

یک. گسترش رفتارهای محبت‌آمیز با کودکان در خانواده و رفتار مریبان: رسول اکرم (ص) فرزندان را گل‌های خوشبوی خدایی می‌نامیدند (ترمذی، بی تا، ص ۵۳۴). ایشان فرمودند: «کودکان را دوست داشته باشید و به آنان محبت کنید» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۹)؛ آن حضرت بر «ارتباط عاطفی لمسی» با فرزندان، چون نوازش نمودن و خصوصاً بوسیدن فرزندان تأکید فراوان داشتند و دستور دادند که فرزندان را بسیار ببوسید (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶۹). فردی به پیامبر

ص) گفت: من ده پسر دارم و تا به حال هیچ‌یک را نبوسیده‌ام، آن حضرت وی را نکوهش کرده و فرمودند: کسی که کودکان را مورد ترحم قرار ندهد از ما نیست (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۸۴؛ بخاری، ۱۴۳۱ق، ص ۱۲۳۳). نوجوانانی که روابط خوبی با خانواده ندارند، بیشتر از رفتار خشونت‌آموز متأثر می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۸۲). *دورتی ال نولت*، در بیتی از سروده زیبایی که آثار یادگیری رفتاری کودکان از محیط را یادآور شده می‌گوید: اگر کودکی با خشونت زندگی کند، می‌آموزد که بجنگد<sup>۱</sup> (فرهنگی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱ و ۱۴۲). همچنین، روان‌شناسان معتقدند: بسیاری از نابهنجاری‌های نوجوانی و بزرگسالی ناشی از فقدان روابط عاطفی والدین و فرزندان و یا گونه‌های انحرافی این ارتباط است (محسنی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۶). بنابراین، رفتار عاطفی درست خانواده با فرزند در دوران کودکی، دارای نقش تعیین‌کننده در گرایش وی به خشونت در نوجوانی دارد. مبانی مذکور، با شایستگی کامل قابل تعمیم به مریبان به‌عنوان عامل مهم در تعلیم و تربیت کودک و نوجوان در کنار خانواده است.

دو. تعمیق باورهای معنوی در کنترل خشم و آموختن مهارت جرأت‌ورزی: فرهنگ اسلامی، نه تنها خشونت را تجویز نمی‌کند، بلکه رحمت و مهربانی مؤمنین با هم را جایگزین خشونت کرده است (فتح: ۲۹)، و راه مقابله با خشونت را نیز عفو و گذشت می‌داند (آل‌عمران: ۱۳۴؛ نحل: ۱۲۶) جز در مواردی که عفو باعث گستاخی بیشتر کنشگر خشونت شود (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۴). در این صورت نیز پاسخ خشن را تنها در چارچوب مشخص مجاز می‌داند (بقره: ۱۷۸ و ۱۹۴). مهارت جرأت‌ورزی، یعنی دفاع از حقوق خود و بیان افکار و احساسات خود. افراد جرأت‌ورز برای خود و دیگران احترام قائلند، آنها منفعل نیستند. اجازه نمی‌دهند دیگران از آنها سوءاستفاده کنند و از سوی دیگر، به خواسته‌ها و نیازهای دیگران احترام می‌گذارند و به شیوه مدبرانه با آنها ارتباط برقرار می‌کنند (خنیفر و پورحسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴). تعمیق باورهای معنوی در کنترل خشم و نیز مهارت جرأت‌ورزی، علاوه بر اینکه نیازمند آموزش توسط خانواده و مریبان و رسانه‌ها است، محتاج حضور ملموس در رفتار و عمل خانواده و مریبان است. امام صادق (ع) فرمودند: «با رفتار خود دیگران را به نیکی بخوانید نه تنها با زبان، بلکه آنان باید در شما رفتار نیک را مشاهده کنند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۶). والدین و مریبان اگر این اصل بسیار راهبردی را در عمل خود رعایت نکنند، هرگز

.....  
1 . If children live with fear, they learn to be apprehensive.

نمی‌توانند الگوهای خوبی برای رفع دغدغه‌های تربیتی از جمله پیشگیری از خشونت در نوجوانان باشند.

سه. تخلیه هیجان‌ها: استعدادِ توسل به خشونت در طبیعت انسان وجود دارد (حنیفر و پورحسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴). در این میان، دوران نوجوانی و بلوغ به طور خاص، دوران طغیان و عصیان قلمداد شده است. تغییرات ناگهانی و شدید بیولوژیکی در دوره‌ای از بلوغ موجب به هم خوردن تعادل روانی در فرد می‌شود و نوجوانی حالتی شبیه به پسیکوز را تجربه می‌کنند (حمدیه و شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۶۸ و ۶۹). رسول اکرم (ص) در همین زمینه فرمودند: «الشباب شعبةٌ من الجنون»؛ جوانی شاخه‌ای از دیوانگی است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۳). علمای اخلاق معتقدند: «خشم، جنونی است که ناگهان به سراغ انسان می‌آید» (زراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۸). بنابراین، والدین و مربیان باید این اقتضانات را درک کنند و بر این اساس با برنامه‌ریزی در امور فریج و ورزش و بازی‌های هیجان‌انگیز، حالات ناخوشایند روانی که اقتضای این سن است را تصعید کنند تا طبق فرایند کاتارسیس که در مبانی نظری شرح داده شد، این حالات فروکش کنند.

چهار. نظارت بر انتخاب دوست و گرایش‌های گروه همسالان به خشونت: نوجوان بیشتر وقت خود را با گروه همسالان می‌گذراند و بسیار تحت نفوذ آنان است (احمدوند، ۱۳۸۶، ص ۳۱۷). امام صادق (ص) فرمودند: «انسان همواره بر مرام و مسلک دوست و هم‌نشین خود است» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۷۵). بنابراین، یادگیری رفتار از همسالان یک اصل مهم است و پیشگیری از یادگیری رفتار خشن نیز نیازمند نظارت بر این حیطة از زندگی نوجوان است.

پنج. توبیخ الگوهای خشونت و پاداش نگرفتن آنها: این رویکرد باید به‌عنوان یک اصل در دستور کار هر پنج نهاد تربیتی ذکر شده در آغاز یافته‌های پژوهش باشد. قرآن کریم، قصاص نمودن افرادی که دست به خشونت زده و به شکل نامشروع به دیگران لطمه وارد می‌کنند را سبب زندگی اجتماعی انسان‌ها دانسته است (بقره: ۱۷۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۳). مفسران اسلامی بر جنبهٔ پیشگیرانهٔ این حکم الهی برای ارتکاب خشونت تأکید کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۸۱)، و جامعه‌شناسان نیز نتایج اجرای حدود الهی در کنترل اجتماعی را در دو محور «تنبيه مجرم» و «عبرت سایرین» گوشزد کرده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹)، همان‌طور که روان‌شناسان هم به آثار پیشگیرانهٔ تنبيه و توبیخ الگوهای خشونت توجه دارند (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴).

## نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، روش‌های پیشگیری از خشونت در نوجوانان در چند محور ذیل می‌باشد:

۱. تقویت نهاد خانواده و روابط عاطفی و حسنه در درون آن: استفاده زیاد از ظرفیت گفت‌وگوهای صمیمانه خانوادگی و با درون‌مایه ارتباطات عاطفی و جلسات تفریح و دورهم‌نشینی با حضور والدین می‌تواند در این زمینه بسیار مؤثر باشد.
۲. نظارت بر محتوای رسانه‌های مورد استفاده: این نظارت باید توسط نهادهای فرهنگی، متولیان تربیت مدارس و نیز خانواده‌ها اعمال شود.
۳. آموختن مهارت کنترل خشم و جرأت‌ورزی در متون درسی و ارشادات والدین و مربیان و برنامه‌های رسانه‌ها.
۴. تعمیق باورهای معنوی در کنترل خشم با عمل فردی مربیان و والدین.
۵. انتخاب دوستان و گروه همسالان فاقد گرایش‌های خشونت‌بار.
۶. تخلیه هیجان‌ها با برنامه‌های ورزشی، تفریحی و فرهنگی مناسب.
۷. توییح و نکوهش الگوهای خشونت و پرهیز جدی از هرگونه پاداش گرفتن این الگوها: این روش باید در کلیه سطوح آموزشی - تربیتی از خانواده گرفته تا نظام آموزشی و محیط مدرسه و جامعه و رسانه‌ها گسترش یابد.

## منابع

- صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، قم، نشر الهادی.
- آذربایجانی، مسعود و همکاران، ۱۳۸۷، روان‌شناسی اجتماعی (با نگرش به منابع اسلامی)، چ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، انتشارات علامه.
- احمدوند، محمدعلی، ۱۳۸۶، روان‌شناسی کودک و نوجوان، تهران، پیام‌نور.
- بخاری، محمدبن اسماعیل، ۱۴۳۱ق، صحیح بخاری، بیروت، دارالکتب العربی.



- بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۸۷، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، چ دوم، تهران، نشر دوران.
- پارسا، محمد، ۱۳۸۳، *زمینه نوین روان‌شناسی*، چ بیستم، تهران، بعثت.
- ترمذی، محمدبن عیسی، بی تا، *سنن الترمذی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چ سیزدهم، تهران، سمت.
- حرانی، حسن بن شعبه، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- حرعاملی، محمد، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حمدیه، مصطفی و شهریار شهیدی، ۱۳۸۷، *اصول و مبانی بهداشت روانی*، چ سوم، تهران، سمت.
- خنیفر، حسین و مژده پورحسینی، ۱۳۸۷، *مهارت‌های زندگی*، چ چهارم، قم، نشر هاجر.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۸، *کودکان و رسانه‌های جمعی (تحقیقی در باب گفتمان برنامه‌های کودک در تلویزیون)*، تهران، اداره کل پژوهش و آموزش سیما.
- سالاری‌فر، محمدرضا، ۱۳۸۹، *خشونت خانگی علیه زنان*، قم، نشر هاجر.
- سورین ورنر و تانکارد جیمز، ۱۳۸۱، *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز، ۱۳۸۹، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ هفدهم، تهران، نشر ویرایش.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، ۱۳۸۹، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چ ششم، تهران، سمت.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع‌البیان*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۳۷۵، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، رضی.
- فرهنگی، علی‌اکبر، ۱۳۸۸، *ارتباطات انسانی*، چ پانزدهم، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- کریمی، یوسف، ۱۳۸۹، *روان‌شناسی یادگیری*، چ دوازدهم، تهران، پیام‌نور.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۲، *الکافی*، چ دوم، تهران، اسلامیه.
- لیثی واسطی، علی‌بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون‌الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.
- محسنی، منوچهر، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی عمومی*، چ هفدهم، تهران، نشر طهوری.
- معتمدنژاد، کاظم، ۱۳۸۶، *وسایل ارتباط جمعی*، چ ششم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإختصاص*، قم، المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد، ۱۳۹۲، *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، چ سوم، تهران، همشهری.
- نراقی، ملااحمد، ۱۳۷۸، *معراج‌السعادة*، چ ششم، قم، مؤسسه دارالهجرت.
- Krug, Linda L, et al, 2002, *World report on violence and health*, World Health Organization, Geneva.